

ماهی سیاه

نقاشی‌های بردیا حدادی در من دو حس پدید می‌آورد، نخست درک این دو حس دشوار بود، مخصوصاً که یکی از این دو بر دیگری غلبه داشت. بدین معنی که نقاشی‌های او دو حس پدید می‌آورد، یک حس مسلط و قوی و دیگری حسی پنهان ولی دیدنی یا دست کم اندیشیدنی. اما جالب است که این دو حس به دو راه مختلف نمی‌رفتند، گویی یکی مکمل دیگری بود و اگر ساده‌تر بگویم یکی برادر بزرگتر دیگری. یکی در وسط میدان ایستاده بود و دیگری در کنار، اما هر دو همدیگر را نشان می‌دادند و می‌کوشیدند به من بگویند که ما دوتا برادریم. من در وضعیت و نمود این دو فرو می‌رفتم و فکر می‌کردم. عاقبت به این نتیجه رسیدم که برادر کوچکتر گذشته ایرانی بردیا است که هر چند کوچک است اما شادابی خود را به همراه دارد. برادر بزرگتر قوی و پر نیرو است اما سهم برادر کوچکتر را رعایت می‌کند. بردیا بیشترین بخش عمر خود را در سوئد گذرانده و چشم او به طبیعت سوئد آشنا است، اما طبیعت شاداب و پرنور جوانی خود را هم به همراه می‌کشد. این وضعیت حتی در ماهی نقاشی بردیا دیده می‌شد. سر ماهی او روشن‌تر از دمش بود. ماهی با سر و تن خود رو به شما بود اما شمای بیننده ناگزیر دم او را در بخش تاریکتر نقاشی می‌دیدید. ماهی سر و تنی روشن داشت و دمی تاریک. اینجا هم، اکنون بردیا گذشته کوتاه جوانی او را فراموش نمی‌کند. او با گذشته‌ای کوتاه و اکنونی بلندتر و روشنتر این آگاهی ناخودآگاه را در نشان دادن حس خود از طبیعت و زندگی به بوم نقاشی می‌سپارد. من که چندسال در زادگاه او زندگی کرده‌ام، حس می‌کنم که این ناخودآگاه زیبا شاید در بسیاری از مهاجران باشد، اما بردیا امکان یادآوری آن را به شکلی زیبا دارد. هنر بردیا در این است که سهم عادلانه هر کدام از این دو را به او بدهد. ضمناً این بدان معنی است که او نقاشی خود را بی‌مقدمه شروع نمی‌کند. اندکی و شاید وقت زیادی - دست کم در ناخودآگاهش صرف می‌کند تا گذشته کوچک خود را با پیوند زدن به حال بارور و ارزشمند نگه دارد.

ماهی بردیا بخشی از ایران است. بین ایران و ماهی، این يك در حال گستردن باله‌های خود به درون و بیرون ایران است. او میان دو فرهنگ ایرانی و غیر ایرانی هماهنگی ایجاد می‌کند و به همین دلیل این ماهی نه تنها سر فرار یا مبارزه ندارد، بلکه با ایستادن در کنار دریا و وطن خود را به دنیای آزاد ربط می‌دهد. ماهی با گستردن باله‌های خود در دریا واسطه‌ی ارتباط ایران و بخشی از جهان است و شاید به این دلیل چنین پیکر بزرگی یافته که نه تنها به دریا پیوسته است، بلکه تن خود را در جنوب از شرقی‌ترین تا غربی‌ترین بخش دریا گسترده است.

علی حصوری

استکهلم 2018-05-03

